

گزارش ۳

هادی اسماعیلی

مردم مقصر کمبود برق نیستند

قیمت برق در سال‌های اخیر افزایش یافته و برای بسیاری از خانوارها، پرداخت قبض برق به چالشی ماهانه تبدیل شده است. در حالی که درآمد مردم با تورم و فشارهای اقتصادی همخوانی ندارد، هزینه‌های برق به‌ویژه برای خانواده‌های کم‌درآمد، گم‌شکن شده است. با این حال، انگشت اتهام به سوی مردم نشانه می‌رود که گویا اینگونه است؟ آمار نشان می‌دهد مصرف سرانه برق ایران در مقایسه با بسیاری از کشورهای جهان چندان بالا نیست و حتی در برخی موارد کمتر از استاندارد جهانی است. این در حالی است که زیرساخت‌های فرسوده، ناکارآمدی در تولید و توزیع برق و یارانه‌های ناکافی، بخش بزرگی از مشکل را تشکیل می‌دهند. مردم برخلاف تصور رایج در بسیاری موارد با رعایت الگوی مصرف تلاش می‌کنند از این بار مالی کم کنند، اما افزایش قیمت‌ها و نبود سیاست‌های حمایتی، آنها را در تنگنا قرار داده است.

افزایش قیمت برق طی سال‌های اخیر به یکی از دغدغه‌های اصلی خانوارها تبدیل شده است. بر اساس گزارش‌ها متوسط قیمت تمام‌شده هر کیلووات‌ساعت برق تولیدی نیروگاه‌های حرارتی کشور پس از حذف یارانه‌های سوخت و احتساب هزینه‌های زیست‌محیطی، حدود ۷ هزار و ۲۰۹ ریال است. این رقم برای بسیاری از خانواده‌ها به‌ویژه در دهک‌های پایین درآمدی، مبلغی قابل توجه است. وقتی درآمد ماهانه یک خانوار کمی به‌وسیلهٔ توزیع و کفاف هزینه‌های ضروری را می‌دهد، پرداخت قبض‌های چندصد هزار تومانی برق به معنای حذف برخی نیازهای اساسی دیگر است، نکته قابل تأمل اینجاست که افزایش قیمت برق با هدف کاهش مصرف و اصلاح الگوی مصرف توجیه می‌شود، اما آیا این سیاست‌ها واقعا به هدف خود رسیده‌اند؟ واقعیت این است که بخش عمده‌ای از مصرف برق خانگی در کشورمان به نیازهای ضروری مانند روشنایی، یخچال و وسایل سرمایشی و گرمایش اختصاص دارد. در تابستان‌های گرم و زمستان‌های سرد، استفاده از کولر یا بخاری برقی برای بسیاری از خانواده‌ها نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت است. با این حال، سیاست‌های قیمت‌گذاری به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که انگار هر مصرفی غیر ضروری است.

■ فرهنگ مصرف یا ناترازی سیستم؟ بارها شنیده‌ایم که مصرف برق خانگی در ایران ۳/۵ برابر استاندارد جهانی است اما این آمار به تنهایی نمی‌تواند کل حقیقت را نشان دهد. مصرف سرانه انرژی در کشورمان، وقتی با کشورهای دارای شرایط اقلیمی و استاندارد زندگی مشابه مقایسه می‌شود، چندان غیرعادی نیست. برای مثال در کشورهای با اقلیم گرم و خشک یا سرد، مصرف انرژی برای گرمایش و سرمایش به‌طور طبیعی بالاتر است. علاوه بر این دسترسی گسترده به برق در ایران (که خود یک دستاورد بزرگ است) باعث شده است مصرف خانگی به طور کلی بیشتر به چشم بیاید. از سوی دیگر، ناکارآمدی در سیستم تولید و توزیع برق نقش بزرگی در این معادله دارد. زیرساخت‌های فرسوده، تلفات بالای شبکه (حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد برق تولیدی در مسیر توزیع هدر می‌رود) و وابستگی به نیروگاه‌های حرارتی پرهزینه، بخشی از دلایلی است که هزینه تولید برق را بالا برده است. به جای اصلاح این مشکلات ساختاری، ساده‌ترین راه‌حل افزایش قیمت برای مصرف‌کننده نهایی



هیچ آماری به‌تنهایی قانع‌ه نیست مگر آنکه با سکوت پاسخ داده شود. سال ۱۴۰۲، سالی بود که نرخ مولید کشورمان برای نخستین‌بار در تاریخ معاصر، به زیر یک میلیون نفر رسید؛ آماري کمتر از دوران جنگ تحمیلی! این عدد اما فقط یک شاخص جمعیتی نیست، بلکه سیگنالی پررنگ از آینده‌ای خالی و اقتصادی بی‌جان است. وقتی جوان ایرانی نه توان ازدواج دارد، نه امیدی برای تشکیل خانواده و نه امنیتی برای آوردن فرزند، آمار تولد هم سقوط می‌کند. قانونگذار در سال‌های اخیر قوانین متعددی در حوزه حمایت از ازدواج و فرزندآوری تصویب کرده است؛ از وام‌های فرزندآوری گرفته تا تسهیلات خرید مسکن. اما در عمل، اجرای این وعده‌ها با سدد بزرگ نظام بانکی، دیوان‌سالاری خفه‌کننده و نبود زیرساخت اقتصادی مواجه شده است. حال سؤال اینجاست: تا کی قرار است شعار جمعیت‌بهدیم ما کارگر تکثیر برای آنکه نسل بماند؟

■ ■ ■

قانون جوانی جمعیت در سال ۱۴۰۰ تصویب شد و یکی از مفصل‌ترین برنامه‌های قانونی درباره کنترل معکوس نرخ زادآوری بود. این قانون، وام فرزندآوری، افزایش مرخصی زایمان، مشوق‌های تحصیلی و مزایای مالیاتی را در دل خود داشت. اما امروز، سه سال پس از تصویب، خروجی این قانون دقیقاً خلاف هدف آن بوده است؛ آمار تولد کاهش یافته و جوانان س‌درتر از همیشه به فرزندآوری نگاه می‌کنند. علت چیست؟ عدم اجرای درست قانون؟ بانک‌ها با بهانه تراشی یا منابع را محدود اعلام می‌کنند یا آن‌قدر مراحل پیچیده طراحی کرده‌اند که جوانان قید وام را می‌زنند. بخش زیادی از بودجه‌های مربوط به مشوق‌های فرزندآوری نیز با تخصیص پیدا نکرده یا در بیج‌وخم

گزارش ۲

حسام کمالی

اقتصاد

سرویس اقتصادی۶۰۰۸۸۵۲۳

بانک‌ها با سختگیری، تسهیلات فرزندآوری را از کار انداختند

فرزند خواری بانک‌ها!

تسهیلات قانونی حمایت از جمعیت در میدان عمل با سد بانک‌ها و بی‌برنامگی اجرایی روبه‌رو شده است

نهادهای دولتی گیر کرده‌اند.

■ وقتی بانک‌ها مانع زندگی می‌شوند

وام ازدواج و فرزندآوری به‌عنوان دو ابزار کلیدی برای تشویق جوانان به تشکیل خانواده، عملاً به یک مارائن فرسایشی بدل شده‌اند. در سال ۱۴۰۲، حدود ۱/۳ میلیون نفر در صف دریافت وام ازدواج یا فرزندآوری بودند، اما فقط نیمی از آنها موفق به دریافت کامل تسهیلات شدند. دلیل اصلی، سختگیری بانک‌ها در معرفی ضامن، اعتبارسنجی یا تخصیص منابع اعلام شده است. برخی بانک‌ها حتی به صراحت گفته‌اند این تسهیلات، صرفه اقتصادی برایشان ندارد. این تضاد بین تصمیم سیاستگذار و رفتار شبکه بانکی، یکی از جدی‌ترین گلوگاه‌های اقتصادی در مسیر رشد جمعیت است.

■ رشد اقتصادی بدون جمعیت ممکن نیست

اقتصاد هر کشوری بر سه رکن استوار است: سرمایه، بهره‌وری و جمعیت. بافت مداوم نرخ باروری در کشورمان، طی ۲۰ سال آینده، ترکیب سنی جامعه به‌شدت به‌سمت پیری حرکت خواهد کرد، نیروی کار کاهش می‌یابد و بار اقتصادی بر دوش نسل محدود شاغل خواهد افتاد. این روند، تهدیدی برای صندوق‌های بازنشستگی و تأمین اجتماعی است و عامل رکود سرمایه‌گذاری و کاهش بازدهی سرمایه‌های موجود. ژاپن نیز امروز در گیر پیآمدهای این بحران هستند، اما دست کم ثروت و زیرساخت مقابله با آن را دارند. ایران ماگر همین امروز اقدام نکند، با آینده‌ای بسیار دشوار تر مواجه خواهد شد.

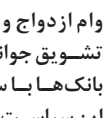
■ جوان امروز، قربانی آینده‌ای مبهم

اغلب سیاستگذاران بدون لمس واقعیت زندگی جوان ایرانی نسخه می‌پیچند، جوانی که با حداقل حقوق، حداکثر هزینه زندگی را تحمل می‌کند، ظهور یا بعد از پس ازدواج، اجاره خانه،

تأمین وسایل زندگی و فرزندآوری برآید؟ مسکن ملی هم که قرار بود راه‌حل باشد، به تأخیر افتاده یا با اقساط سنگین عرضه می‌شود که از توان طبقه متوسط خارج است. نه بیمه‌ها حمایت درستی از مادران جوان می‌کنند، نه مدارس و مهدکودک‌ها آمادگی توسعه جمعیت را دارند. دولت، پیش از شعار، باید برسد: جوان ایرانی چرا نمی‌خواهد فرزند بیاورد؟ و مهم‌تر از آن چرا نمی‌تواند؟

■ کاغذهای خوب، واقعیت‌های تلخ

در یک نگاه روی کاغذ، ایران در سال‌های اخیر یکی از پیشرفته‌ترین قوانین حوزه جمعیت را تصویب کرده است؛ قانونی که به‌درستی ابعاد مختلف ازدواج، فرزندآوری، بهداشت مادر و کودک، اشتغال زنان و حتی فرهنگ‌سازی را پوشش می‌دهد، اما مشکل آنجاست که این قانون در بسیاری از بخش‌ها در مرحله اجرا متوقف شده است. بانک‌ها موظف هستند وام ازدواج را در حداقل تریز روز کاری پرداخت کنند اما جوانان



وام ازدواج و فرزندآوری مهم‌ترین ابزارهای تشویق جوانان به تشکیل خانواده هستند اما بانک‌ها با سختگیری‌های غیرمنطقی، اجرای این سیاست را به مانعی برای فرزندآوری تبدیل کرده‌اند. امروز، اصلاح‌سازوکار تخصیص این وام‌ها باید به یک اولویت اقتصادی ملی بدل شود، نه یک شعار فرعی در دل قوانین پسرزوق و برق

شنبه ۳ خرداد ۱۴۰۴ | ۲۶ ذی‌القعدة ۱۴۴۶|



ماه‌ها در صف معرفی ضامن و اعتبارسنجی و «نداشتن بودجه شعبه» سرگردانند.

■ زخمی بر پیکره توسعه

بسیاری از استان‌های مرزی و مناطق محروم با پدیده مهاجرت جمعیتی معکوس مواجه هستیم. جوانان این مناطق برای کار یا تحصیل مهاجرت می‌کنند و مناطق مبدأ دچار سالخوردگی، فقر و خالی‌شدن از سکنه می‌شوند. در چنین مناطقی، زیرساخت آموزش، بهداشت، آب و برق هم به مرور تخریب می‌شود، چراکه نبود جمعیت، توجیه سرمایه‌گذاری را از بین می‌برد. این روند در صورت تداوم می‌تواند توازن جغرافیایی کشور را مختل و امنیت پایدار بر برخی مناطق را با خطر مواجه کند. نمی‌توان از جوان انتظار فرزندآوری داشت، در حالی که جامعه، رسانه‌ها و حتی نظام آموزشی هیچ زمینه‌سازی فرهنگی در این حوزه نکرده‌اند. در سیرال‌های تلویزیونی و پلنفرم‌ها، خانواده پرجمعیت یا غایب است یا نامادق‌فر. در مقابل، زندگی تک‌نفره و بی‌مسئولیتی به‌عنوان سبک مدرن زندگی معرفی می‌شود.

در مدارس هم نه خبری از آموزش مهارت‌های زندگی و تربیت فرزنداست و نه الگوسازی فرهنگی برای پدر و مادر بودن. کاهش نرخ مولید، رنگ‌پریشی برای آینده کشورمان است. اگر جمعیت جوان کشور به‌تدریج حذف شود، نیروی کار، موتور تولید و بدنه مصرف‌کننده هم تحلیل می‌رود. دولت برای مقابله با این بحران باید حمایت اقتصادی از ازدواج و فرزندآوری را نه در قانون که در عمل تثبیت کند.

بانک‌ها باید از مسیر قانون‌وادر به همکاری واقعی شوند، تسهیلات ازدواج و فرزندآوری تسهیل و ساختار رسانه‌ای و آموزشی نیز برای ترویج خانواده فعال شود.

ظرفیت کافی برای صادرات مواد معدنی ندارد. قطارهای باری هم به دلیل کمبود واگن نمی‌توانند حجم بالای مواد معدنی را جابه‌جا کنند. این مشکلات باعث شده است ایران نتواند از موقعیت جغرافیایی خود برای تبدیل شدن به هاب صادرات مواد معدنی در منطقه استفاده کند.

■ فرصت‌های پیش‌رو

با وجود این چالش‌ها، راه‌های روشنی برای جایگزینی معدن با نفت وجود دارد. طرح آزادسازی ۶هزار معدن غیرفعال، یکی از مهم‌ترین اقدامات دولت در سال‌های اخیر است. این طرح می‌تواند جهش بزرگی در تولید و اشتغال ایجاد کند. فعال‌سازی این معادن نه‌تنها مواد اولیه صنایع داخلی را تأمین می‌کند، بلکه وابستگی به واردات را کاهش می‌دهد. سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین استخراج و فرآوری، مثل روش‌های پایدار زیرزمینی می‌تواند اثرات زیست‌محیطی را کاهش دهد و بهره‌وری را بالا برد. برای مثال، استفاده از فناوری‌های پیشرفته در فرآوری مس می‌تواند ارتدمان تولید را تا ۲۰ درصد افزایش دهد. اصلاح قوانین جذب سرمایه‌گذاری هم می‌تواند سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی را جذب کند. کشورمان با موقعیت جغرافیایی منحصربه‌فرد و دسترسی به آب‌های آزاد می‌تواند به هاب صادرات مواد معدنی در منطقه تبدیل شود. کشورها همسایه مثل ترکیه و عراق که فقر منابع معدنی دارند، بازارهای تشنه‌ای برای محصولات ایرانی هستند اما این فرصت‌ها بدون مدیریت کارآمد و شفافیت به نتیجه نمی‌رسند.

■ چشم‌انداز بهشت معدنی

کارشناسان معتقدند ایران می‌تواند «بهشت سرمایه‌گذاری معدنی» شود. نیروی انسانی متخصص، انرژی ارزان و بازارهای تشنه منطقه می‌تواند بهشت کمرشده کشور را به خودردار است. برای مثال، هزینه تولید یک تن فولاد در ایران به دلیل انرژی ارزان تا ۳۰ درصد کمتر از میانگین جهانی است. اما این بهشت، بدون مدیریت کارآمد و شفافیت به سربای دست نیافتنی تبدیل خواهد شد. دولت باید با بازنگری قوانین، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و ایجاد شفافیت مالی، راه را برای شکوفایی این بخش هموار کند. ایجاد یک سامانه شفاف برای گزارش درآمدهای معدنی مشابه آنچه در برخی کشورهای پیشرفته وجود دارد، می‌تواند اعتماد عمومی را جلب کند. همچنین تخصیص بودجه‌های معدنی به توسعه مناطق محروم می‌تواند نابرابری‌های منطقه‌ای را کاهش دهد و توسعه پایدار را رقم بزند.



تا زمانی که مردم ندانند درآمدهای معدنی چگونه و کجا خرج می‌شود، اعتماد به این بخش شکل نمی‌گیرد. انتشار گزارش‌های دقیق از درآمدها و هزینه‌ها، تخصیص بودجه به توسعه معادن و نظارت نهاد‌های مستقل می‌تواند این اعتماد را بسازد. شفافیت، حلقه گمشده‌ای است که می‌تواند معدن را به رقیبی جدی برای نفت تبدیل کند